

## شوش، یکی از اولین مراکز مدنیت بشری، را دریابید

کتیبه‌ها ناپدید شده‌اند، سنگ‌ها را با پتک شکسته‌اند  
ستون‌ها بر اثر آتش‌سوزی فرو ریخته‌اند و تخریب هم‌چنان و هر روزه ادامه دارد  
شهرام زارع، پژوهشگر و باستان‌شناس

### در گفت‌وگو با کمیته‌ی بین‌المللی نجات پاسارگاد

در یکی دو دهه‌ی گذشته، به دلیل ضعف مدیریتی سازمان میراث فرهنگی استان خوزستان، شوش

هم مثل دیگر محوطه‌های مهم خوزستان همچون «گندی شاپور»، «ایوان کرخه»، «ارجان» و... وضع نامناسبی داشته است. اما شوش از آن رو که محوطه‌ای گسترده، بزرگ و با اهمیت جهانی است، آسیب‌های بیش‌تری دیده؛ به ویژه که توسعه‌ی بی‌مهار شهری بر مصائب شوش افزوده است.

شهرام زارع، باستان‌شناس، در گفت‌وگویی ویژه با خبرنگار کمیته‌ی بین‌المللی نجات پاسارگاد با اعلام این مطلب افزود: مجموعه‌ی باستانی شوش در طی سال‌های جنگ تحمیلی و توسط متجاوزان عراقی، زیر آتش خمپاره و موشک بود و آسیب‌های بسیاری دید. شاید نخستین توجه جدی به شوش در سال‌های پس از انقلاب، در آغاز دهه‌ی 1370 بود. در این زمان شادروان مهندس شیرازی قلعه‌ی شوش را برای برپایی نخستین همایش باستان‌شناسی پیشنهاد داد. به دنبال آن استاد مهدی رهبر مأموریت یافتند قلعه‌ی شوش را - که توسط فرانسوی‌ها ساخته شده - برای برپایی «نخستین گردهمایی باستان‌شناسی ایران پس از انقلاب اسلامی» مرمت و احیا کنند. فعالیت‌هایی آغاز شد و در سال 1373 این گردهمایی در قلعه‌ی شوش برپا شد. از همان زمان هم نخستین هیأت باستان‌شناس ایرانی به سرپرستی استاد میرعابدین کابلی کاوش‌های خود را در شوش آغاز کرد که به تناوب تا سال 1385 ادامه یافت و به دلیل ناهماهنگی‌ها و فراهم نبودن زمینه‌های لازم متوقف شد.

وی در ادامه با اشاره به موانع ایجاد شده بر سر راه فعالیت گروه‌های کاوش طی سال‌های اخیر و آسیب‌های ناشی از توقف کاوش‌ها، گفت: در واقع پس از انقلاب و با تعطیل شدن کاوش‌های هیأت فرانسوی، آقای کابلی به عنوان سرپرست هیأت ایرانی مشغول کاوش در شهر شوش شد و به خاطر حضور هیأت باستان‌شناسی کمی محوطه رونق گرفت و از شدت تخریب‌ها کاسته شد. اگرچه حضور این هیأت هم به صورت تمام وقت در طول سال نبود اما تا سال 1385 کاوش‌ها به تناوب ادامه می‌یافت. اما به خاطر ناهماهنگی‌ها و مشکلاتی که اداره‌ی میراث خوزستان به وجود آورد این کاوش‌ها متوقف شد و در نتیجه آسیب‌های محوطه هم رشدی صعودی یافت.

شهرام زارع، یکی از دلایل نابه‌سامانی در وضعیت رسیدگی به میراث فرهنگی این منطقه را تغییر دانی مدیران به دلایل مبهم و نامشخص دانست و افزود: در طی یک دهه‌ی گذشته، مدیرانی هم‌چون آقایان پیمانی، بروجنی و جوادی به ریاست «پایگاه پژوهشی شوش» منصوب شدند اما هر کدام بیش از 6-5 ماه دوام نیاوردند و استعفا دادند و هرگز تحقیقی هم صورت نگرفته که چرا مدیران شوش این گونه رفتاری داشته‌اند. از فروردین ماه سال جاری هم، مجموعه‌ی مدیریتی جدیدی در این پایگاه مستقر شده‌اند و آقای دکتر چیت‌ساز به عنوان سرپرست پایگاه و آقای دکتر کامیار عبدی به عنوان مشاور علمی پروژه هستند که امید می‌رود مجال کافی برای فعالیت شان فراهم شود.

زارع در بخش دیگری از این گفت‌وگو به تشریح اهمیت تاریخی محوطه‌ی شوش پرداخت و یادآور شد: محوطه‌ی شوش از دوره‌ی پیش از تاریخ تا دوره‌ی عیلامی و هخامنشی منطقه‌ی بسیار مهمی بوده است. چندین هزاره تدوام سکونت در شوش وجود دارد. شوش پایتخت تمدن عیلامی بوده و پس از آن هم برای دو سده پایتخت تمدن جهانی هخامنشی بوده است. نام شوش به طور مکرر در متون و منابع یونانی آمیخته با شکوه و جلال و نوعی حس تحسین ذکر شده است. شوش از حیث حضور ادیان الهی (اسلام، یهودیت و مسیحیت) هم بسیار مهم است. در شوش مدارک بسیاری وجود دارد که به حضور اقوام و ملل گوناگون هم‌چون یونانی و مصری و بابلی و... دلالت دارد؛ اقوامی که در ساختن و به پا کردن شاهنشاهی هخامنشی با میل و اشتیاق مشارکت کرده‌اند. یقیناً شوش چیزی بیش از آنچه که اکنون به عنوان کاخ آپادانا، کاخ شانور، شهر صنعت‌گران (محل استقرار پیشه‌وران)، تپه‌ی آکروپل یا ارگ که قلعه‌ی فرانسوی‌ها بر روی آن بنا شده و شهر شاهی است. شاید اگر شوش را با جایی هم‌چون «پارتتون» بسنجیم که در



فرهنگ و تمدن یونانی حایز اهمیت فراوان است، و حفاظت و سلامت شوش را در برابر پانتون در نظر آوریم، شرمگین می‌شویم که از یونانیان امروز چگونه میراث‌شان را پاس می‌دارند و ما چگونه! شوش همان مقامی را در آسیا دارد که پارتون در اروپا. زارع، ضمن اشاره به فعالیت‌های انجام شده در خصوص تعیین عرصه و حریم محوطه‌ی تاریخی شوش، وضعیت فعلی این محوطه را بسیار تأسفبار توصیف کرد و گفت: وضعیت فعلی این محوطه به تازگی در فروردین‌ماه سال جاری با درایت مدیریت پایگاه‌های پژوهشی سازمان میراث فرهنگی، تعیین عرصه و حریم شد تا محدوده‌ی شهر باستانی شناسایی شود و مقدمات تهیه‌ی پرونده‌ی ثبت جهانی آن آماده شود. اما دروازه‌ی ورودی به کاخ شائور الان نزدیک 8-7 سال است که باز نشده و حصارى که برای حفاظت به دور آن کشیده شده بود، از پشت توسط افرادی شکسته شده و محل تجمع معتادان و زباله‌دانی و رویش علف‌های هرز شده و دیوارهایی که فرانسوی‌ها پس از کاوش از زیر خاک بیرون آورده بودند و روی آن را کاهگل گرفته بودند، به کلی از میان رفته و فرسوده شده و ریخته و از تعداد 14-13 قطعه کتیبه‌ای که در کاوش‌های باستان‌شناسی یافت شده بودند، در حال حاضر هیچ اثری نیست و معلوم نیست که کجا هستند! کف آجری کاخ نیز آسیب‌های جدی دیده است. یکی از پایه‌ی ستون‌ها با وسیله‌ای همچون پتک ضربات شدیدی خورده و دو پایه‌ی ستون دیگر در اثر آتش‌سوزی تخریب شده‌اند.

این باستان‌شناس در ادامه‌ی گفت‌وگو با خبرنگار کمیته‌ی بین‌المللی نجات پاسارگاد، گزارشی نگران‌کننده از وضعیت بخش‌های محوطه‌ی تاریخی شوش ارائه داد و ضمن برشمردن عوامل آسیب‌رسان به این محوطه افزود: سایر قسمت‌های محوطه، همچون مجموعه‌ی آپادانا، شهر صنعت‌گران، مسجد دوره‌ی اسلامی (که از نخستین مساجد ساخته شده در ایران است) به امان خدا رها شده‌اند. در شهر امروزی شوش هم آن قدر ساخت‌وساز بی‌رویه و بلندمرتبه‌سازی در دست انجام است که بدون تردید در ثبت جهانی محوطه مشکلات جدی پدید خواهند آورد. چراکه حریم منظری محوطه مخدوش شده است. پیرامون تپه‌هایی که هسته‌ی مرکزی محوطه را تشکیل می‌دهد ساخت‌وسازهای گسترده‌ای شده و هر روز بخشی از جسم تپه‌ی باستانی جدا می‌شود. وضعیت رودخانه‌ی شائور هم که به عنوان یک اثر طبیعی-تاریخی محسوب می‌شود و در دوره‌های هخامنشی و بعد از آن به عنوان یک خندق به دور شهر یا عنصری از اجزای حیات‌بخش شهر از آن استفاده می‌شده، فاجعه‌آمیز است.

وی نداشتن یگان حفاظتی مناسب و کارآمد را نیز یکی دیگر از معضلات این منطقه دانست و گفت: از سوی دیگر، اگرچه یگان حفاظت این محوطه از نیروهای دلسوز و متعهدی تشکیل شده اما نه امکانات مناسبی در اختیار دارند و نه این که تعداد آن‌ها برای گشت‌زنی کافی است. برای مثال در شب‌هنگام هیچ کنترلی بر محوطه وجود ندارد و نمی‌توانند وارد محوطه شوند و نقشی در حفاظت از آن داشته باشند.

شهرام زارع در پاسخ به پرسشی درباره‌ی نقش مدیریت سازمان میراث فرهنگی خوزستان برای رفع نواقص موجود و برطرف نمودن معضلات مهمی که این محوطه را تهدید می‌کند، گفت: جالب این‌جاست که ریاست محترم سازمان میراث فرهنگی خوزستان، دانم‌ا اخباری را که از طریق علاقه‌مندان و دوستان محلی میراث فرهنگی در این زمینه‌ها منتشر می‌شود، تکذیب می‌کند و حتا با تهدید و ارباب تلاش می‌کند تا هر نوع انتقادی را به طریقی خفه کند. فارغ از این که آن‌چه ناپود می‌شود و دیگر هیچ‌گاه باز نمی‌گردد، میراث معنوی و فرهنگی ماست. واقعیت این است که مردم خوزستان و بالاخص مردم شوش علاقه‌ی بی‌حد و حصری به میراث فرهنگی‌شان دارند اما کوتاهی مدیریتی میراث فرهنگی خوزستان سبب آسیب‌های جبران‌ناپذیری شده که شاید هیچ‌گاه قابل جبران نباشد.

شهرام زارع، همچنین وضعیت دیگر محوطه‌های باستانی خوزستان را نیز بسیار نامطلوب توصیف نمود و گفت: غیر از شوش، وضعیت محوطه‌های ایوان کرخه (ایران-شهر شاپور)، گندی شاپور، رامهرمز، ارجان، تل برمی، دهنو و... هم بسیار نامطلوب است. برای مثال در گندی شاپور تنها کار باستان‌شناسی انجام شده در دهه‌ی 1960 میلادی بود که هیأت باستان‌شناسی دانشگاه شیکاگو به سرپرستی «رابرت ادامز» گمانه‌زنی‌هایی در آن‌جا کردند. چند سال قبل هم هیأتی از دانشگاه شیکاگو آمدند که قرار بود با هیأت ایرانی کار مشترک بکنند اما محوطه آن‌قدر آسیب دیده بود که صرف‌نظر کردند و رفتند. سال گذشته در اقدامی قابل ستایش این محوطه نیز تعیین حریم شد اما همچنان به طور گسترده کشاورزی می‌شود و دائماً دارند تپه‌ها را صاف می‌کنند. حال آن‌که گندی شاپور (جندی شاپور) همان شهر معروفی است که دانشگاه معروف «گندی شاپور» دوره‌ی ساسانی در آن‌جاست و از آن‌جا به ویژه

علم پزشکی به دربار خلافت عباسی منتقل شد و تا قرون اولیه‌ی اسلامی همچنان نامبردار بود و حتا تا هنگامی که یعقوب لیث با دربار خلافت در ستیز بوده، این شهر شهری زنده و پویا بوده است.

ششم مرداد (27 جولای)

[www.savepasargad.com](http://www.savepasargad.com)